

«الزامات و شاخصهای تربیتی کنش اعتراضی در خانواده؛ خوانشی فقهی و روانشناختی»¹

سیدمحمدحسینی(دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران)

مرتضی مطهری فرد (پژوهشگر پسادکتری دانشگاه تهران)

چکیده

کنش اعتراضی به عنوان یک رفتار دفاعی طبیعی در انسان، در علوم مختلفی محل بحث علمی است. از این حیث که اعتراض یک رفتار است در دانش فقه موضوع احکام تکلیفی و وضعی بوده و از حیث اخروی می‌تواند مقتضی پاداش یا عقوبت باشد، و از حیث اینکه بروز هر رفتاری مبتنی بر یک سری خصیصه‌های روانی و اخلاقی در انسان است، مقتضی مطالعه روانشناختی نیز هست. این خصایص انسانی در شکل‌گیری کنش اعتراضی، چنانچه مورد پرورش و تربیت واقع شود، می‌تواند رفتار شخص را به صواب نزدیک نماید و به آن ضابطه و سنجیدگی ببخشد. نقطه تلاقی نگاه روانشناختی(هست‌ها) و فقهی(بایدها) همین است؛ که در فضای خانواده آنچه لازمه پرورش خصایص مذکور در صیانت از طغیانگری اعضای خانواده به هنگام اعتراض است، تکلیف فقهی اعضای خانواده بالاخص والدین است. در این پژوهش به یازده خصیصه در انسان اشاره شده و متعلق تکلیف شرعی والدین در تربیت اعضای خانواده بر اساس وظیفه صیانتی آنان به عنوان «تربیه الوقایه» قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و در مواردی مصاحبه با خبرگان روانشناسی و علوم تربیتی است.

کلیدواژه‌ها: تربیت، اعتراض، فقه، روانشناسی، خانواده، دین

¹. این مقاله بخشی از دوره پسادکتری به میزبانی استاد مذکور(نویسنده اول) است.

Educational requirements and indicators of protest action in the family; Jurisprudential and psychological reading²

Seyed Mohammad Hosseini

(Associate Professor of Department of Jurisprudence and the Essentials of Islamic Law, University of Tehran)

Morteza Motahari Fard

(postdoctoral researcher of Tehran University)

Abstract

Protest action as a natural defensive behavior in humans is a subject of scientific debate in various sciences. Because that objection is a behavior, in jurisprudence it is the subject of obligatory and postural rulings, and from the afterlife, It deserves reward or punishment, and because the occurrence of any behavior is based on a series of psychological and moral characteristics in humans, it is also worthy of psychological study. These human characteristics in the formation of protest actions, if nurtured, can bring a person's behavior closer to correctness and make it disciplined and measured. This is the meeting point of psychology (Descriptions) and jurisprudence (recommendations); that in the family environment, that is necessary to cultivate the mentioned characteristics is to protect against the rebellion of family members during protests, It is the religious duty of family members, especially parents. In this research, eleven characteristics in humans are mentioned, according to which parents should act as "protective education" in the education of family members based on their religious duty. The descriptive-analytical research method is by referring to library sources and in some cases interviews with experts in psychology and educational sciences.

Keywords: education, protest, jurisprudence, psychology, family, religion

² . This article is part of the postdoctoral course hosted by the mentioned professor (first author).

الف-مقدمه

اعتراض فی نفسه در هر جامعه نماد امید انسان به رشد، زنده بودن حق تعیین سرنوشت، آزادگی و ... است، و هر جامعه‌ای بایستی از این حق صیانت نموده و آن را به رسمیت بشناسد. مردم مسلمان ایران نیز با انعکاس این اراده خود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قالب اصل 27، اصل 8 و ... از این حق صیانت کرده‌اند. در جغرافیای ایران اما، استفاده از حق اعتراض به سهولت قابل تحقق نیست و همواره دول متخاصم، رسانه‌های متکثر معاند، گروه‌های تروریستی و گروهکهای بزهکاری و ... از بستر بروز اراده فعال و پاک معترضان سوءاستفاده کرده‌اند و خواسته‌های آنان را به انحراف کشانده‌اند. این امر به خصوص در وقایع سال 1401 در ایران به سمت طیف سنی نوجوان و جوان کشانده شد که سزاوار است متخصصان علوم مرتبط بدان حساسیت نشان دهند. از این رو گذر از نگاه‌های تک بعدی حقوقی و امنیتی، و نگرستن با نگاه تربیتی و روانشناختی به این موضوع ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد. چرا که مدیریت اعتراضات اجتماعی، هنگامی که این کنش‌گری اعتراضی از سوی افرادی با سنین کمتر از نصابهای مسئولیت قانونی بروز می‌یابد، بایستی توسط نهاد خانواده پیگیری شود که لازمه آن بذل توجه به شاخصهای تربیتی و روانشناختی در خانواده است و نیازمند اتخاذ سلسله اعمالی فرآیندی و مستمر بیش از اعمال دفعی و موردی است. این مقاله رسالت اصلی خود را در دو محور ذیل گذارده است:

- 1- بر اساس آموزه‌های شرعی والدین در قبال اعضای خانواده با چه کیفیتی وظیفه صیانتی دارد تا حق اعتراض افراد در جامعه تولید مزیت نماید و تولید مخاطره نکند؟
- 2- تعامل آموزه‌های اسلام و تجربیات بشری در دانش روانشناسی، پرورش چه خصیصه‌های انسانی موثری در اعمال حق اعتراض سازنده را ایجاب می‌نماید؟

ب- چارچوب نظری و روشی

در گام اول در این تحقیق بایستی نسبت بین فقه و روانشناسی به درستی تنقیح شود تا تحقیق در خلال مباحث دارای خلط روشی و تزلزل در سیر مطالب به نظر نرسد.

گرچه بسیاری از علوم عقلی و تجربی مدخلیتی در مقدمات اجتهاد و اعتباریات که فقه از آن بحث می‌کند ندارد، اما دست کم از حیث شناخت بهتر موضوع احکام و قیود آن (موسوی خمینی، 1410، ج 2، ص 116) روانشناسی می‌تواند در مقدمات اجتهاد به فرآیند تفقه کمک نماید. بدین معنا که مبانی کلامی و فلسفی، معرفتی، نگرش به انسان و ... بایستی در چارچوب مبادی و مبانی تصویری و تصدیقی یک فقیه تشخیص یافته

باشد تا بتوان به کمال فهم او از موضوعات و مسائل مربوط در مراجعه به منابع اعتماد نمود. این رابطه بین فقه و روانشناسی البته می‌تواند دوسویه باشد. یعنی روانشناسی در مبنای تصویری فقه کمک کند و فقه در مبنای تصدیقی روانشناسی کمک کند. برای مثال اختیار و آزادی انسان یک مبنای معرفتی مهم در پایه‌ریزی علم فقه و دانش روانشناسی است. کیفیت این اختیار و ابعاد آن و خصیصه‌های منبعث از آن که در رفتار یک انسان می‌تواند تبلور داشته باشد در هر دو این علوم می‌تواند بارورتر شده و به اهداف آن کمک نماید. اصولاً در فقه یکی از مناشی حق اعتراض اختیار او در تعیین سرنوشت خویش است. و یکی از سنجه‌های رفتارشناسی افراد در کنش‌گری اعتراضی نیز خصیصه‌های بروزیافته ناشی از این اختیار در ذهنیت و عادات است که در حیطه روانشناسی از آن بحث می‌شود.

از حیثی دیگر گاهی در احکام الهی برای تکالیف قیود و غایاتی در نظر گرفته می‌شود که گاهی علم روانشناسی درباره شناخت این قیود و غایات می‌تواند نقش مهمی ایفا نماید. مواردی چون تمکن، وسع، و ... از این قبیل قیود است. برای مثال در زمینه تربیت و صیانت فرزندان و اعضای خانواده توسط والدین در تکلیف «وقایه» در آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/6) یک سری قیود شرعی و مرز مطلوبیت و ... خارج از مدلول لفظی تکلیف را قیدمند می‌کند. در استنباط مصداق و حد این قیود موضوعی می‌توان از روانشناسی و علوم تربیتینیز کمک گرفت.

از حیثی دیگر عمل به محصول فقه (احکام)، نیازمند موضوع‌شناسی صحیح و تطبیق فروع و با اصول و ... است تا بین اراده فقیه و عمل مکلف تطابق حداکثری حاصل شود. عناوینی همچون حرج، عقل، جنون، تمیز و ... امروزه بسیار دقیق‌تر از اعصار گذشته با سنجه‌هایی به مراتب قابل اتکاتر از گذشته می‌تواند در موضوع‌شناسی به کار آید که روانشناسی متکفل بسیار از اینهاست.

روانشناسی در مواقعی با لحاظ شرایط مصرح در کتب فقهی (برای ساحت عمل) و اصول فقه (برای ساحت تفقه) می‌تواند به عنوان منبعی برای راهکارهای توصیفی و درمان‌گری برای اختلالات تربیتی و شخصیتی به کار بسته شود. مجرای این امر در ساحت عمل، رجوع به اهل خبره و در ساحت تفقه رجوع به سیره عقلاست که ذکر شرایط آن مجال دیگری می‌طلبد.

ج- تربیت و کنش‌گری اعتراض

مهمترین ماموریت خانواده در جنبه آموزش دانش، نگرش و مهارت، در مرحله اول تربیت انسانهایی دارای قوه تشخیص و تمیز نیک از بد و در مرحله دوم احساس برانگیختگی به منظور گسترش مصادیق امور نیک و بازداری از امور زشت و ناپسند است، تا از قَبْلِ آن شهروندانی صاحب فضیلت و مسئولیت به جامعه تحویل داده و جامعه‌ای الگو بسازد.

البته تربیت افرادی که بتوانند دارای صلاحیتهای کنش‌گری اعتراضی باشند، نیازمند تحقق پیش‌نیازهایی است که علاوه بر خانواده باید وزارت آموزش و پرورش در جنبه آموزش علوم، اقدام به آموزش و پرورش این پیش‌نیازها در قالب آموزش‌های رسمی (برنامه و کتابهای درسی) و به ویژه آموزش‌های غیر رسمی (فعالیت‌های فوق برنامه) نموده و آن را در دستور کار خود قرار دهد. شایان ذکر است لازمه برنامه ریزی برای هر یک از پیش‌نیازها و ملزومات آتی‌الذکر در راستای پرورش انسانهایی که دارای انگیزه درونی اعتراض صحیح باشند، داشتن برنامه‌هایی متناسب با مرحله رشد ذهنی کودک دبستانی و نوجوان دبیرستانی (دوره اول و دوره دوم) است. متناسب سازی برنامه پیش‌نیازها، مطابق رشد ذهنی و هوشی دانش‌آموزان تضمین‌کننده موفقیت عملکردها خواهد بود. در این راستا در نظر گرفتن واقعیت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، در اثر بخشی برنامه پیش‌نیازهایی بسیار کارساز خواهد بود. با این حال تمرکز این تحقیق بر نهاد خانواده خواهد بود، هرچند تدارک ملزومات کنش‌گری اعتراض صحیح منحصر در این محیط نیست.

آنچه درباره کنش‌گری اعتراضی مهم است و نیازمند ترکیب فقهی و روانشناختی و تربیتی است، این است که عمده‌تأ آنچه از افراد در فضای اجتماعی و سیاسی صادر می‌شود ریشه در مباحث تربیتی خانواده دارد. این تربیت خانوادگی در حوزه اعتراض اگر به درستی سیر خود را طی نموده باشد، احتمال بروز اعتراضات مخاطره‌آمیز و خسارت‌بار و هنجارشکنانه و ... به حداقل خواهد رسید و در واقع تربیت، سدی صیانتی به شمار می‌آید که شخص معترض را مصون از خطا و تحمیل و تحمل خسارت می‌کند. این معنای عمومی «صیانت» در فقه تربیتی را می‌توان ذیل واژه «وقایه» مستفاد از آیه شریفه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/6) تعقیب نمود.

آیه مذکور به تکلیفی وجوبی و الزامی اشاره دارد و همه اعضای خانواده را هم دربرمی‌گیرد اما قدر متیقن و مصداق بارز آن پدر و مادر هستند. آیه نسبت به امور الزامی (حرام و واجب) وظایف تربیتی بر عهده خانواده می‌گذارد و شامل امور ندبی نمی‌شود، چون نار این دلالت را دارد؛ «نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ». این وجوب، کفایی و توسلی و نفسی است. با این حال وقایه صرفاً به اموری تعلق نمی‌گیرد که بالفعل استحقاق عذاب را ایجاد می‌کند، بلکه به معذات و شرایط آن نیز اشاره دارد. زیرا چه بسا طفلی صغیر است و فعلاً هیچ عملی از او مستوجب نار نیست، اما چون مصداق «اهل» است، و می‌دانیم اگر تفکر و عادات او به درستی پرورانده نشود، بعد از بلوغ مستعد بروز رفتارهای آسیب‌زا خواهد بود. وقایه و وقایه همان منع و حفظ است و ناظر به یک عامل خطر و آسیب است. لازم به ذکر است، وقایه از آتش جهنم، دلالت عرفی میکند به عواملی که انسان را به عذاب الهی دچار می‌کند و نه خود آتش، چرا که آتش در آخرت موجودیت می‌یابد و امر به صیانت برای تکلیف فعلیه در دنیا است. لذا تقدیراً مراد از مصون عنه، عوامل عذاب‌آفرین است؛ خواه فعل مستعد عذاب باشد، خواه عواملی که انسان را به چنین فعلی می‌کشاند. صیانت از این عذاب یا عوامل آن به معنای عام است، چه صیانت به حالت رفعی باشد یا دفعی (پیشگیری) باشد و اعم از معنای درمان‌گری اختلالات

یا معادات خطر در روانشناسی یا علوم تربیتی به مفهوم امروزی است. النهایه بنا بر آیه فوق‌الذکر «التربیة الوقایة» به معنای امروزی آن چه در عربی چه در فارسی معنای عام پیشگیری دارد که شامل اولین حرکت‌های تربیتی و تداوم آن یا ترمیم گذشته و توبه و ... است و همه مدلول «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» است.

در تربیت کنش‌گری اعتراض، عامل خطر و آسیب تمامی مخاطرات و زیان‌هایی است که می‌تواند خودش شخص و خانواده و جامعه را متاثر کند و کلیه تدابیر مقدماتی این مصونیت مشمول «وقایه» می‌گردد. با لحاظ وسعت ساحات وقایه، در تدبیر وقایتی در خانواده عمومیت وجود دارد؛ تربیتی باشد یا اخلاقی و رفتاری؛ فردی و اجتماعی و سیاسی و ... شامل همه اینها می‌شود؛ که خانواده در قبال همه اینها مسؤولیت دارد. کلیه مسؤولیت‌های اجتماعی و زمینه‌سازی درباره آنها و اندیشیدن تمهیدات لازم بایستی این مسؤولیت پذیرفته شود. نتیجه عمل به این وظایف پرورش فردی خواهد بود که کنش‌گری اعتراضی او موثر خواهد بود نه مخرب.

با این توضیح بایستی قائل به این بود، که در این تکلیف شرعی تمام امکانات مستحصه بشری بایستی به امر تربیت که از معادات صیانت است کمک کند. در تعریف تربیت گفته شده پروراندن و بالفعل کردن استعداد‌های درونی یک شی یا انسان از حالت بالقوه (مطهری، 1385، ص 43). اعتراض که غالباً پدیده‌ای رفتاری حاکی از مسؤولیت‌پذیری هر انسان در قبال صیانت از ارزشهای مشترک جامعه‌ی یا منافع شخصی است، نیازمند وجود خصایصی در انسان است که ماحصل آن خصایص موجب کنش، بعث و تحریک او برای انجام این عمل است. برای مثال خصیصه شجاعت در هر جامعه پررنگ باشد انتقاد و اعتراض در آن بیشتر است. در مقابل هرچقدر "کامل‌پنداری انسان" در جامعه کم رنگ باشد نقدپذیری بالاتر است.

این خصایص هیچ ایرادی ندارد که از دانش روانشناسی و تجربه بشری نیز استنباط شده باشد. در کنار رهنمودهای واصله از روایات اهل بیت(ع)، بر اساس روش تحقیق مصاحبه با اهل خبره و بارش افکار در زمینه تربیت و روانشناسی، موارد آتی‌الذکر از جمله خصایصی هستند که بایستی در حد مقدمات در خانواده مورد آموزش و نهادینگی قرار گیرد تا متربی کنش‌گری اعتراضی صحیحی از خود بتواند بروز دهد.

1- رشد تفکر عقلانی

تفکر عقلانی به معنای کاربرست «منطق‌گرایی» در فرآیند رسیدن به حل مساله یا پاسخ به پرسش است.

اگر یک انسان نسبت تصمیمات خود را با عقل روشن نموده و مستمراً بر آن عادت بورزد، می‌توان انتظار داشت که در کنش‌گری اعتراضی بین خوب و بد تمیز قائل شود. این امر علاوه بر شناختن خوب و بد، تمرین اعتماد به عقل و بی‌اعتمادی به غیر آن را نیز می‌طلبد. یعنی انسان باید با عقل انس گیرد و غیر آن را با دیده بدبینی و بی‌اعتنایی نظر کند. چرا که انسان باید به اطمینان برسد که هرچه فرمانبردار عقل خود باشد کمتر

دچار زیان خواهد شد. امام رضا(ع) فرموده‌اند: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ؛ دوست هر انسانی عقل او است و دشمن او جهلش» (برقی، بی تا، ج 1، ص 194).

متعاقب آن در مقام کنش‌گری اعتراضی با مخاطب، باید آنقدر تمرین کرده باشد تا بتواند با وجود اعتراض سلم متقابل را به مخاطره نیاندازد. امام رضا(ع) می‌فرمایند: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَ اصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ... بِالْأَثَرِ فِي دَرَجَةِ عَقْلِ بَعْدَ إِسْلَامِهِ» (ابن بابویه، بی تا، ج 2، ص 35). این خصیصه در انسان که بتواند در جایی که نسبت به کسی نارضایتی و اعتراض دارد، بدون ضرورت او را دشمن ندارد و کینه‌توزانه در قبال او کنش انتقادی نداشته باشد، نیازمند رشد عقلانی است و تربیت عقلانی باید بتواند این ویژگی را رشد دهد. اولین سنگ بنای تمرین این نگرش و مهارت در خانواده و در نسبت والدین با یکدیگر و نیز با فرزندان معنا می‌یابد.

2- رشد قوه قضاوت صحیح

قضاوت در ادبیات قرآنی روشن کردن حق و فاصله‌گذاری بین حق و باطل است؛ «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَتَّقُ الْحَقَّ وَ لَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (انعام/57). انسان از هنگامی که با اولین وقایع مورد انتخاب روبرو می‌شود، پیوسته در حال ترجیح چیزی بر دیگری است. از خوراکی‌ها و پوشیدنی‌ها و بازیها و هم‌نشین‌ها در سنین کودکی تا انتخاب خطوط فکری، سوگیری در وقایع اجتماعی و سیاسی و ... همگی انسان را مبتلا به «قضاوت» می‌کند. اگر بر قضاوت انسان «منطق» حاکم باشد، آن قضاوت صحیح قلمداد می‌شود و اگر بر آن منطق حاکم نباشد آن قضاوت ناصحیح خواهد بود. در فرآیند تربیتی در خانواده بایستی این واقعیت تبیین و پذیرفته شود که انسان در تمام زندگی ناگزیر از ترجیح در تراحات است، و مدام باید تمرین شود که ترجیح بلامرجه قبیح است.

کنش اعتراضی اساساً در بستر قضاوت انسان شکل می‌گیرد. یعنی فرد با خود دو وضعیت را تصور می‌کند و سپس در مقام مقایسه آن دو، وضع موجود خود را مورد قضاوت قرار می‌دهد، و در صورت عدم رضایت، برای آن مقصر یا مقصرانی در ذهن تعریف می‌کند و سپس اقدام به اعتراض می‌کند. در هر کدام از این سلسله تصورات، اگر قضاوت منضم به یک «دلیل» نباشد، قضاوت ناصحیح انسان را به خطا انداخته و آن را از یک اقدام طبیعی و فعال و مفید جهت کسب منفعت یا دفع ضرر، به اقدام واجد خسران بدل می‌کند.

3- پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری نسبتی مستقیم با سنجیده رفتار کردن در کنش اعتراضی دارد. انسانی که آموخته باشد مسئولیت رفتار خود را بپذیرد و نیز آموخته باشد برای رسیدن به حق خود، حق ندارد به غیر خود آسیب برساند، حکایت از آن دارد که روح مسئولیت‌پذیری در او پرورش یافته است. امیرمومنان(ع) می‌فرمایند: «لَا يُعَابُ الْمَرْءُ

بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِنَّمَا يُعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ؛ کسی که گرفتن حق خود را به تأخیر بیندازد مورد سرزنش واقع نمی‌شود، مستحق سرزنش کسی است که چیزی که متعلق به او نیست بدان تعدی و تجاوز نماید» (شریف رضی، 1414، ص 500).

مسئولیت‌پذیری تابعی از دو عنصر علاقه و احساس تعلق است. حوزه این علاقه و تعلق وسیع و از خود تا انسانهای دیگر و خداوند را در بر می‌گیرد. لذا این دو عنصر ارتباط وثیقی با نظام ارزشی حاکم بر ذهن افراد دارد (ایروانی، 1369، ص 58). از این رو اعضای خانواده و به ویژه والدین بایستی با رفتار و گفتار خود این عناصر را مرتبط با نظام ارزش‌گذاری آن محیط رشد داده و به آن رکنیت بخشند. برای مثال اعضای خانواده و به ویژه فرزندان بایستی صداقت در علاقه و تعلق را نسبت به اشیاء و افراد پیرامون، در موقعیتهای مختلف، محیطهای مختلف و ... از سوی والدین مشاهده کنند، آن را باور نمایند تا در نهان خود ارزش قائل شدن برای حقوق الناس و حقوق الله و حتی حق خود را به عنوان رکن حاکم بر بروز رفتار تثبیت نمایند. از این رو هرگونه تظاهر، رفتار دوگانه و ... مانع این امر خواهد بود.

ارتقای روح مسئولیت‌پذیری روشهای ظریف و متعددی دارد که ذکر آنها در این مجال نمی‌گنجد.

4- پرورش اعتماد بنفس

در تربیت کنش‌گری اعتراض، همانقدر که خویشنداری از آسیب به دیگران مطلوب است، نادیده گرفتن حق اعتراض خود نیز نامطلوب است. لذا انسان متعادل بدون ضرورت از حق اعتراض خود نمی‌گذرد. یکی از این عوامل اثرگذار پرورش اعتماد به نفس است. برخی روانشناسان احساس ارزشمندی و توجه به نیازهای خود را مقارن با اعتماد به نفس دانسته‌اند (مازلو، 1368، ص 155). برخی تلاش برای غلبه بر کاستی‌ها و بر طرف کردن موانع رفع نیاز را بهترین تمرین اعتماد به نفس و ملازمتاً اعتماد به نفس را عامل پیگیری این غلبه دانسته‌اند (موسوی لاری، 1376، ص 345). این قرائت چیزی جز تعریف اعتراض با محوریت رفع نیاز نیست.

شعری زیبا در وصف ارزشمندی و توانمندی و توجه او به رفع نیازهایش با ابزارهای درونی‌اش به مولای متقیان علی(ع) منسوب شده است که گرچه سند قابل قبولی ندارد، اما محتوای ارزشمندی دارد: «دَوَاؤُكَ فَيْكُ وَ مَا تَشْعُرُ؛ وَ دَاؤُكَ مِنْكَ وَ مَا تَنْظُرُ؛ وَ تَحْسَبُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ؛ وَ فَيْكُ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ؛ وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الْأَذِي؛ بِأَحْرَفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ» (مجلسی، 1406، ج 2، ص 81)

5- پرورش عزت نفس

عزت همان گونه که از لغت آن پیداست نوعی استواری و مغلوب‌ناپذیری در برابر غیر (اعم از شی و شخص) است (راغب، 1363، ص 333). آن ادراکی که انسان از خود و خصلتهای خود و متعاقباً ارزشمندی خود سراغ می‌یابد، به او احساسی درباره خود می‌دهد که بدان «عزت نفس» گویند (Carson & Others, 1996, p135).

مجموعاً عزت نفس از خصایصی است - که انسان که به ارزش خود واقف شده است - سعی می کند بدینوسیله خود را در برابر آنچه مایه تحقیر، آسیب و ... است مصون کند و کنش اعتراضی نیز در این فضا معنا می یابد. اعتراض در برابر هرچه ارزشمندی او را مورد خدشه و زوال قرار می دهد.

در کنار این، عزت نفس در انسان مانع می شود که این کنش اعتراضی با ملازمه گناه، جرم و پرخاش غیرمعقول انجام یابد. در واقع از ثمرات عزت نفس رعایت انصاف در همه چیز است؛ «الا انه من ینصف الناس من نفسه لم یزده الله الا عزاً» (کلینی، 1375، ج 2، ص 144) که اعتراض نیز از این مقوله مستثنا نیست. همچنین در این زمینه روایات اهل بیت (ع) به وفور وجود دارد که بین احساس عزت نفس و تن ندادن به گناه و شرائر نسبت معکوس را ثابت می شمارد. امام علی (ع) می فرماید: «من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه؛ آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد، آن را با گناه، پست و ذلیل نخواهد کرد» (تمیمی آمدی، 1383، ص 677). امام هادی (ع) فرمودند: «من هانت علیه نفسه فلا تامن شره؛ کسی که نفس او در نزدش خوار و ذلیل باشد، از شر او ایمن مباش».

روشهای افزایش عزت نفس در خانواده و بالخصوص کودکان در دانش روانشناسی و علوم تربیتی بسیار است، که برخی از آنها از قبیل موارد ذیل می باشد: تحسین هوشمند، تاکید بر نقاط مثبت آنها، جدیت در آموزش متربی، رعایت احترام، محبت مستمر، مقابله با کمال گرایی، توجه به فرد و پاسخ دهی حداکثری به سوالات، پرهیز از تحقیر در تخاطب، عمل به وعده های داده شده به متربی، تشویق به تصمیم گیری مستقل و مثبت گویی درباره خود، تشویق به یافتن دوست، آزادی دادن برای خطر کردن آنها (لانگ و زولتن، 1383، صص 58-65)

6- پرورش مولفه های هوش هیجانی از جمله مدیریت خود و مدیریت دیگران

از میان تعاریف متعددی که درباره هوش هیجانی وجود دارد، مرتبط ترین تعریف با این پژوهش این است که هوش هیجانی عبارت است از امتزاج چهار توانایی شامل دریافت هیجانات، کاربست هیجانات (توانایی کنترل هیجان برای ساده سازی فعالیت های شناختی مثل تفکر و حل مساله)، ادراک هیجانات (قابلیت درک زبان هیجان و کشف رابطه پیچیده بین هیجانات)، مدیریت کردن هیجانات (قابلیت نسبت بخشی بین هیجانات خود و دیگران) (Mayer & Salovey, 1997, p4). در قرآن کریم درباره اهمیت مهارت حفظ خط کشی و مدیریت میان خود و دیگران آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ ای اهل ایمان، شما خود را محکم نگاه دارید، که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زیانی از آنها به شما نرسد» (مائده/105).

آنچه در تربیت کنش‌گری اعتراض مهم و محل تامل است این است که شخص باید به این توانایی برسد که برای حل مساله و اعتراض اولاً قدرت بسیج و مدیریت دیگران را داشته باشد و ثانیاً بسیج شدن خود در اراده دیگران را تحت کنترل هنجارهای خود هدایت نماید و به عبارت دیگر اراده و هیجانات او مستهلک در اراده دیگران نباشد. برخی معتقدند لازمه این امر وجود مولفه‌هایی چون هوش درون فردی (interpersonal intelligence)، هوش بین فردی (general mood)، انطباق‌پذیری و کنترل استرس است (Bar-On, 1997).

7- پرورش روحیه پشتکار

پشتکار (Perseverance) نشان دهنده استقامت معتدبه بر مقاصد خاص و کوشش مجدانه‌ی بلندمدت برای رسیدن به اهداف با ارزش است (Duckworth & Winkler, 2015, p397). نقطه محوری این تعریف "بلندمدت" بودن تلاش است. اینکه افراد در نیل به اهداف خود و زایل کردن موانع بتوانند صبور باشند و دچار رخوت‌های سینوسی نشوند عنصر اثرگذار خصیصه پشتکار است. چرا که این استقامت و هدفمندی برای رسیدن به هدف، محرک کنش‌گری اعتراض است و خود همین خصیصه مانع رفتارهای عجولانه، انفجاری و رادیکال است. چرا که رفتارهای رادیکال در اثر غلبه خشم بر صبر و از دست دادن ملکه تلاش تدریجی برای رفع موانع در رفتار انسان معترض حادث می‌شود. برخی گفته‌اند عدم انحراف از هدفمندی در رفتارها حتی با وجود بازخوردهای منفی در تلاش از ویژگی‌های انسانهای دارای پشتکار است (Duckworth & others, 2009, p540). به عبارت عامیانه افراد دارای پشتکار در مقام اعتراض، هم به راحتی تسلیم و بازنده نمی‌شوند و هم به راحتی زیر میز نمی‌زنند و همه چیز را نادیده نمی‌گیرند.

8- دگرخواهی

مفهوم دگرخواهی به قدری وسیع است که توصیف و تعریف آن مشکل است. از دوست داشتن دیگری، تا گذشت از خطاهای دیگران، تا خدمت به دیگران، تا همانندپنداری دیگران با خود در استحقاق استیفای حقوق و ... را در برمی‌گیرد. تقویت دگرخواهی از جمله خصایصی است که در کنش‌گری اعتراض دو اثر مهم دارد: اول، اینکه نباید ضرورتاً و صرفاً با شرط وجود منافع شخصی به کمک جنبشهای مصلحانه اعتراضی رفت؛ ثانیاً، نباید مضرات و مفاسدهای که جمع و جامعه از آن متاثر می‌شود را در کنش‌گری اعتراض نادیده گرفت و همه آن عناصر را در نسبت با "خود" تعریف نمود.

شاید جامع‌ترین و البته حداقلی‌ترین تعریف از دگرخواهی ایجابی و سلبی را در کلام امیرمومنان (ع) بتوان دریافت؛ «...اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَجِبْ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا... نفس خویش را میزانی بین خود و بین دیگران قرار ده، پس از برای دیگران دوست بدار آنچه را که

برای خودت دوست میداری، و خوش ندار برای دیگران آنچه را برای خودت خوش نداری» (نوری، 1408، ج 11، ص 311). مفاد این روایت از قرن شانزدهم میلادی در فلسفه اخلاق به قاعده زرین (golden rule) مشهور است (سینگر، 1392، ص 56). ره آورد دگرخواهی از منظر اسلام تواضع، سازگاری منطقی با غیر (مخالفان و متفاوتها)، انصاف ورزی، ادب و ... است (اسلامی، 1386، ص 17). این خصیصه از مهم‌ترین عناصری است که تربیت خانوادگی در پرورش آن دخیل است.

9- یادگیری مهارت تفکر انتقادی

درباره تفکر انتقادی تعاریف متعددی وجود دارد که به نقل نویسندگان مختلف شاخصهای این تعاریف از قبیل ذیل است (حجتی و دیگران، 1400، ص 223): شخص دارای مهارت تفکر انتقادی قادر است دریافتهای پیرامونی از قبیل شنیده‌ها، خوانده‌ها، اندیشه‌ها و اعتقادات مختلفی را که در زندگی با آنها مواجه می‌شود مورد ارزشیابی قرار دهد و آنها را غربال کند (ر.ک: سیف، 1394). او قادر است اندیشه‌ها و دانسته‌ها را فعال و پایدار و با دقت بررسی و پایش نماید (See: Dewey, 1982) و نهایتاً این توانایی تفکری باعث می‌شود شخص مسئولیت نتایج اقدام و عقیده‌اش را انکار نکند (See: Halpern, 1996). در واقع تفکر انتقادی تأثیرپذیری بی ضابطه را از شخص دور می‌کند. قرآن کریم در موارد زیادی این تفکر انتقادی را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ مانند ممنوعیت اطاعت از والدین مشرک در شرک آنها (توبه/23؛ عنکبوت/8). در روایات نیز مفاد تفکر انتقادی و تأثیر ناپذیری بی ضابطه مورد تصریح قرار گرفته است؛ آنچنان که امیرمومنان (ع) می‌فرماید: «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ... به سخن بنگر، نه به گوینده آن» (ابن طاووس، 1368، ص 220).

در اعتراضات و حتی اغتشاشات که در سالیان اخیر که طیف کم سن و سال به وضوح در آن وزن یافتند، آنچه کانون توجه روانشناسان و جامعه شناسان و حقوقدانان قرار گرفت، تبعیت پذیری نگرشی و هنجاری افراد از گروه بزرگتر و رسانه‌ها بود. یعنی گاه حتی موضوع اعتراض مورد تعیین و ارزشیابی قرار نگرفته، اما شخص در آن مشارکت می‌کند و از آن قابل تأمل‌تر اینکه گاهی در بعضی بررسی‌های میدانی دستگاه‌های ذی‌ربط - که نگارنده شخصاً نتایج آن را در پرونده‌های مشخص شخصیت رویت نموده است - مشخص شد، بسیاری از تخریبهای انجام شده در اغتشاشات بدون انگیزه قبلی و بدون توجه به تبعات آتی آن صرفاً به دلیل قرار گرفتن در بستر هم‌شکلی انجام گرفته است. عنصر مشترک در این موارد «فقدان تحلیل بودن» فرد نسبت به انگیزه‌ها، هنجارهای ابرازی جمع، اهداف و جنبشها و تبعات آن است. تفکر انتقادی عمیقاً مرتبط با سطح مهارت و تحلیل فرد به نحو «فعال» است. به طوری که می‌توان ادعا نمود هرچه مهارت تفکر انتقادی در افراد به ویژه در سنین خردسالی تا نوجوانی و جوانانی رشد یافته تر باشد، اعتراض آنها هدفمندتر و سازنده‌تر است. ارتقای مهارت تفکر انتقادی روشها و مبادی ظریفی دارد که پرداختن به آن از ضروریات امر تربیت در خانواده است و در این مجال نمی‌گنجد.

10- یادگیری مهارت حل مساله

اعتراض اساساً اقدامی در راستای حل مساله است و از مواردی که در کنش‌گری اعتراضی منجر به رفتار خارج از چارچوب می‌شود، کم توانی در حل مساله است. نظریه‌پردازی‌های شناختی در مورد رفتار فاقد کنترل، شرارت‌بار و پرخاشگرانه این است که خصیصه این رفتارها با مجموعه‌ای از انحرافات شناختی-اجتماعی و نقص در مهارت‌های حل مساله مشخص می‌شود (Baright, 1981, p276). یکی از مهمترین مهارت‌های اجتماعی، آموزش هم‌نوایی است. هم‌نوایی، مهارتی است که به عنوان ریشه حل مساله و مدیریت هیجان، تبیین می‌شود (see: Eggert. 1994). با عنایت به رسالت این تحقیق که ناظر به خانواده و تربیت اعضا بالاخص فرزندان در آن فضا است بایستی به این مهم اشاره نمود؛ که آموزش مهارت حل مساله مجموعه‌ای از گام‌هاست که شرایطی را برای هدایت تدریجی و به خصوص خردسال فراهم می‌کند تا در موقعیت‌های اجتماعی با واکنش‌های همساز، نسبت به همسالان اقدام کند (see: French.1992)؛ یعنی متناسب سن خود از خود انتظار داشته باشد و برای حل مسائل اقدام کند و خود را از کنش‌گری‌های نامتناسب با خود دور نگه دارد. این مهم باعث می‌شود، اقدام معترضانه فرد (نوجوان و جوان) برای حل مساله‌ای مشخص، به راحتی در اراده سیاسیون بازیگردان، گروه‌کهای بزهکاری و اغتشاشگر، بزرگسالان با مسائل متباین و ... هضم نشود.

گفتنی است، برخی مواردی که برای آرایه‌ی حل مساله و پرورش آن در خانواده ضروری است از قبیل این موارد است: یادگیری توصیف دقیقی از مساله، توصیفی از عوامل محدودیت‌بخش یا منفی موثر در مساله، توصیفی از عوامل سازنده و مثبت در مساله، توصیف دقیقی از محدوده‌ی مشکل، مدت بروز و استمرار وجودی مشکل، چگونگی تحت تاثیر قرار دادن دیگران، و توصیف دقیق آثار در صورت حل نشدن مساله و آرایه مجموعه‌ای از طرق مطرح شده برای حل مساله، پازل درجه‌گذاری راه حل‌ها و درنهایت فرآیند تصمیم‌گیری (see: Thornton, 1995). موانع کاربست مهارت حل مساله نیز از قبیل موارد ذیل است که لازم است در فضای تربیتی خانواده با ظرافت کنترل و یا زایل شود: نگرش «آری-اما»، دفاع‌های منطقی که در برابر افکار جدید باعث مقاومت می‌شود، نگرانی از اینکه شخص به عنوان یک انسان بی‌کفایت شناخته شود، نگرانی از اینکه مقبولیت وی از دست رود و نگرانی از خطا کردن (و کیلی، 1386، ص 42).

11- یادگیری مهارت خودآگاهی و مهارت ارتباطی

توانایی شناختن خود شامل اشراف به نقاط قوت و ضعف خود، شناخت اهداف، نیازها، خواهش‌ها و ... در خود را مهارت خودآگاهی (self-awareness) گویند (نوری، 1390، به نقل از: بریمانی و دیگران، 1397، ص 139). این مهارت مقدمه مهارت ارتباطی (communication skills) است. از این رو مطلوب است این دو ذیل یک تیتراژ مورد شناسایی قرار گیرد. مهارت ارتباطی بین فردی به توانایی برقراری ارتباط برای انتقال پیام گویند که آنچه مورد اراده منتقل‌کننده است به خوبی در دریافت‌کننده مورد فهم و پذیرش قرار گیرد (عطارپور،

1389، به نقل از: بریمانی و دیگران، 1397، ص 140). از بارزترین مثالهای قرآنی درباره خودآگاهی و مهارت ارتباط ارتباطی، اظهار موسی(ع) به خداوند بابت ضعفها و ترسهای خود مبنی بر لکنت در سخن و انتقال پیام(طه/27) و تنهایی در ماموریت(طه/29) و ترس از عقوبت در صورت بازگشت به سرزمین فرعون(طه/45)؛ و راهکار خداوند به او همراهی هارون(ع) و تسلیح به معجزه الهی(طه/42) و سخن گفتن نرم با فرعون(طه/44) و یادآوری همراه بودن خداوند با ایشان است(طه/46).

اختلال در این مهارت موجب کنش و واکنش سوء در طرفین ارتباط می‌شود و آنچه بایستی در مسیر حل مساله، اعتراض و تمکین از اعتراض شکل بگیرد به ضد خود تبدیل شده و موجب نزاع متقابل خواهد شد. مهارت خودآگاهی و مهارت ارتباط بین فردی هنگامی که لازم باشد در کنش‌گری اعتراض نقش معینی داشته باشد، بایستی مفهومی در روانشناسی به نام ابراز وجود (self-assertive) مورد بحث قرار گیرد. ابراز وجود قدرت «نه گفتن» و قدرت «دفاع از حقوق» است که در نتیجه‌ی رشد مهارتهای زندگی از جمله مهارت خودآگاهی و مهارت ارتباط بین فردی محقق می‌شود. ضعف در بایسته‌های ابراز وجود، به دلیل نقص در دو مهارت فوق‌الذکر، افراد و به خصوص نوجوانان را در حل چالشها به نوعی ناتوان‌شماری یا استیصال می‌رساند که این امر خود بارزترین خصیصه‌ای که ایجاد می‌کند، مقصر دانستن عوامل بیرونی در ناتوانی در حل چالش و نسبت دادن همه توفیقات به عوامل درونی(خود) است(Yavuzer, 2015,p880). این موضوعات سلسله‌وار به اعتراضات کور در افراد چالش‌مند می‌انجامد که یقیناً خانواده بایستی به عنوان مکلفین به صیانت به تقویت مهارتهای فوق‌الذکر پردازند تا یک انسان به نقطه مذکور در کنش‌گری اعتراض نرسد.

د- نتیجه‌گیری

در این مقاله تبیین شد که بر اساس آموزه‌های اسلام و یافته‌های روانشناسی برای تربیت فردی که قرار است کنش اعتراضی داشته باشد و این کنش‌گری سازنده باشد باید پرورش این موارد ضروری است: «مهارت خودآگاهی و مهارت ارتباطی، مهارت حل مساله، مهارت تفکر انتقادی، دگر خواهی، روحیه پشتکار، مولفه‌های

هوش هیجانی از جمله مدیریت خود و مدیریت دیگران، عزت نفس، اعتماد بنفس، روحیه مسئولیت پذیری، قوه قضاوت صحیح، تفکر عقلانی». نیز تبیین شد که التزام به کیفیت این پرورش، در حد مقدورات، بر اساس این خصایص و شاخصها بر اساس دلالت ادله «فقه التربیه» بر والدین در خانواده یک تکلیف شرعی است.

بنابر نتایج فوق، می‌توان ادعا نمود که توفیق در مدیریت تحرکات اجتماعی، نیازمند توجه جدی به مدیریت پرورش خصایص و استعدادهای فردی است. تربیت در ساحت فردی گرچه تولی‌گری و نیز تصدی‌گری حاکمیت را نیز نیاز دارد، اما جز با توجه ویژه به خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد تشکیل دهنده اجتماعات میسر نیست. آنچه درباره حق اعتراض و پرورش رفتارها، ذهنیت‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها در این تحقیق بیان شد بایستی از این حیث مورد توجه سیاستگذاران قرار بگیرد؛ که مدیریت دستوری محکوم به شکست است و نه آموزه‌های اسلام و نه دانش‌های تجربه‌پایه بشری مانند روانشناسی و علوم تربیتی توفیق در آن ممکن ندانسته و از آن پشتیبانی نمی‌کنند. از طرفی تربیت افراد بایستی در سنین خردسالی تا شروع جوانی در خانواده انجام پذیرد و یکی از لوازم مهم آن برای مجاری حکومتی توسعه و تکامل آموزشها و فرهنگ‌سازی عمومی جهت توانمندسازی والدین به عنوان مدیران خانواده است.

منابع

- 1- قرآن کریم
- 2- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، بی تا
- 3- ابن طاووس، علی بن موسی، فرج المهموم، قم: دار الذخائر، 1368
- 4- اسلامی، سیدحسن، قاعده زرین در حدیث و اخلاق، نشریه علوم حدیث، شماره ۴۵ و ۴۶، ۱۳۸۶.
- 5- ایروانی، شهین، پرورش روح مسئولیت پذیری در کودکان، نشریه تربیت، تابستان 1369

- 6- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیة، بی تا
- 7- بریمانی، پژمان، دوست محمد، سمانه، میرزاییان، بهرام، حسن‌زاده، رمضان، اثر آموزش مهارت های زندگی (خودآگاهی و برقراری ارتباط مؤثر) بر ابراز وجود و خودناتوان سازی دانش آموزان، فصلنامه رویش روان شناسی، سال هفتم، شماره 2 (پیاپی 23)، اردیبهشت 1397
- 8- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالاحکم و دررالکلم، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی، 1383
- 9- حاجتی، محمد، صائمی، حسن، شریعت نیا، کاظم، بیانی، علی اصغر، مطالعه مولفه های مهارت تفکر خلاق و تفکر انتقادی در دوره ابتدایی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال دوازدهم، شماره 48، زمستان 1400
- 10- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، المفردات، تهران: دفتر نشر کتاب، 1363
- 11- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)، تهران: نشر دوران، 1394
- 12- سینگر، مارکوس، قاعده زرین، ترجمه زهرا غلامرضایی، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، سال هشتم، شماره 5، 1392.
- 13- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (شرح صحیحی صالح)، قم: مؤسسه دارالهجره، 1414ق
- 14- عطارپور، ماهان، مهارت برقراری ارتباط، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، تهران: دانشکده روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، 1389
- 15- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران: اسوه، 1375
- 16- لانگ، نیکولاس، زولتن، کریستن، روش های افزایش عزت نفس در کودکان، ترجمه حیدر فتحی، نشریه پیوند، شماره 297 و 298 و 299، تابستان 1383
- 17- مازلو، ابراهیم، روانشناسی شخصیت سالم، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: گلشایی، 1368
- 18- مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، 1406ق
- 19- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، 1385
- 20- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، الرسائل، قم: اسماعیلیان، 1410ق
- 21- موسوی لاری، مجتبی، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1376
- 22- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البتیت (ع) لإحياء التراث، 1408ق
- 23- نوری، ربابه، خودآگاهی و همدلی ویژه دانش آموزان، تهران: طلوع دانش، 1390
- 24- وکیلی، پریش، ارزیابی تاثیر آموزش مهارت حل مساله (PSST) در کنترل خشم نوجوانان، فصلنامه اندیشه و رفتار، شماره 6، 1386

- 25- Baright, P. D. & Robin, A. L. (1981). Ameliorating Parent- adolescent conflict and Problem- Solving communication training. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 12, 275- 80.
- 26- Bar-On, R. (1997). *The Emotional Quotient Inventory (EQ-i): a test of emotional intelligence*. Toronto: Multi-Health Systems.
- 27- Carson I, Benner V. and Arnold E.N.,(1996), *Mental Health Nursing, the Nurse Patient Journey*, W.B. Saunders Company, 114:135-148
- 28- Dewey. J. (1982). *How we Think*. Mass, D.C. Heath, Pp. 224.
- 29- Duckworth, A. L., & Eskreis -Winkler, L. (2015). Grit. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*: 10, 397–401.
- 30- Duckworth, A. L., Quinn, P. D., & Seligman, M. E. (2009). Positive predictors of teacher effectiveness. *The Journal of Positive Psychology*, 4(6), 540 -547.
- 31- Eggert, L, (1994). *Anger management for Youth*. loomington, in: National educational service
- 32- French, J.N. & Rhoder.C.(1992). *Teaching thinking skills and practice*. New york Garland publishing

- 33- Halpern, D. F. (1996). "Teaching Critical Thinking for Transfer Across Domains". *American Psychologist*, 53 (2) 449-455.
- 34- Mayer, J.D. & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In [[P. Salovey & D. Sluyter (eds.): *Emotional development and emotional intelligence: educational applications* (pp. 3-31). New York: Basic Books.
- 35- Thornton stephanie (1995). *Children solving problem*, Harvard college U.S.A
- 36- Yavuzer, Yasemin. (2015). Investigating the Relationship between Self-Handicapping Tendencies, Self-Esteem and Cognitive Distortions. *Educational Sciences:Theory & Practice*, 2015 August, 15(4), 879-890